

## تنظیم خانواده<sup>۱</sup>

آنچه که از تنظیم خانواده به اذهان عمومی متبادر می‌شود، کنترل و ایجاد محدودیت در زایش است. رشد جمعیت در دهه‌های گذشته، برخورداری از امکانات بهداشتی و غیره، جوامع و سازمانهای مختلف را به توجیه و ترویج این امر وا داشته است. لیکن حقیقت تلخی که اخیراً گریبان‌گیر بسیاری از کشورهای توسعه یافته گردیده، تقلیل و سیر معکوسی است که در زاد و ولد جوامع صورت می‌پذیرد و عواقبی که به تبع این مشکل دولتمردان را به چاره‌سازی و توسل به توجیهات لازم فرا می‌خواند.

در کشورهای جهان سوم هنوز روی مسأله «کنترل موالید» بشدت تبلیغ و برنامه ریزی و فرهنگ سازی می‌شود. سؤال واقعی این است که چگونه باید در این قضیه به حد تعدیل فرای از افراط و تفریط رسید. مقاله حاضر می‌کوشد این مسأله را از ابعاد مختلف مورد ارزیابی قرار دهد؛ بویژه که در اندیشه دینی مسأله تنظیم خانواده فقط از بعد ظاهری آن مورد توجه قرار نمی‌گیرد؛ بلکه از آن جهت که شاکله ارزشهای معنوی و شخصیت حقیقی افراد حاصل توجه به تعادل و حاکمیت سامان‌گیری و سامان‌پذیری و تنظیم واقعی خانواده است. بر این اساس، پردازش موضوع امری ضروری است.

### واژگان کلیدی

تنظیم خانواده، کنترل موالید، تعدیل و تعادل، تکثیر نسل، فقه اجتماعی پویا، سقط جنین، پیشگیری زاد و ولد، عزل نطفه

خانواده، واحد بنیادین جامعه و کانون اصلی رشد و تعالی انسان است و توافق عقیدتی و آرمانی در تشکیل و تنظیم خانواده زمینه‌ساز اصلی حرکت تکاملی و رشد یابنده انسان است؛ از این رو، فراهم کردن امکانات جهت نیل به این مقصود از وظایف حکومت اسلامی است.

از سوی دیگر خانواده پایگاه طبیعی حفظ سنتهای ملی، مذهبی و نگاهبان تمدن قومی و بهترین شیوه علمی ایجاد و تربیت کودکان است و جامعه باید از آن حمایت کند. حمایت و تربیت کودکان بعنوان تکلیف پدر و مادر در صورتی قابل اجرا و مفید است که این دو اتحادی با دوام داشته باشند و رشته‌ای استوار پیوند میان همسران را تضمین کند.

### تنظیم و تکثیر موالید در اندیشه دینی

اسلام تا جایی به خانواده اهمیت داده است که در قوانین شریعت، تعادل بین روابط و حتی تعداد اعضای خانواده، ویژگی‌های ارتباطات تربیتی، وراثتی و اجتماعی و فرهنگی را مورد توجه قرار داده است. این مورد در سور متعدد بقره، نساء، نور، طلاق و آیات فراوان قرآن ذکر شده است. همه اینها برای حفظ کانون گرم خانواده است. در آیه‌ای از قرآن بحث تکثیر و تولد و حفظ تقوا نه تنها به اهل ایمان بلکه به همه اقشار توجه داده شده است؛ «یا ایها الناس اتقوا الذی خلقکم من نفس واحد و خلق منها زوجها و بث منها رجالاً کثیراً و نساء فاتقوا الله الذی تساءلون به و الارحام...» (نساء، ۱).

ابتدای آیه در مورد تکثیر ولد است و تقوی در خصوص خانواده، هم در ابتدای آیه و هم در آخر آیه مورد تأکید واقع شده است. جایگاه ارحام و ازدیاد آن و تکثیر نسل در زمره موارد تبیین این آیه است. دین مبین اسلام که به همه ابعاد وجودی انسان توجه دارد و برای هر کدام برنامه‌هایی تدوین نموده، در آیات و احادیث متعددی به تقدس بنیان ازدواج پرداخته و راهنمایی‌های ارزنده جهت حفظ و تداوم و استحکام آن ارائه داده است. واقعیت این است که خوشبختی را فقط در زندگی خانوادگی باید جستجو کرد.

دغدغه دیگر این است که زمین برای بندگان صالح است و باید نسل صالح و سالم را به جوامع ارائه دهیم. طبق این آیه هدف از تشکیل خانواده شاکله یک نسل صالح را آغازیدن است و می‌توان اهداف آن را، ۱- استحکام نظام خانواده بر اساس ارتباط درست میان افراد آن و سلامت اجتماعات بشری؛ ۲- توالد و تناسل بر اساس نسل سالم که این امر در گرو بهداشت روان و اندیشه و نیز سلامت جسم است تا کمالی که در انسان است در شاکله مناسب خانواده صحیح شکل گیرد؛ ۳- اقتدا به شیوه انسان‌های شایسته؛ ۴- حفظ عفت و پاکدامنی؛ ۵- قوام بخشی به دوستی، محبت و عشق؛ ۶- بهداشت معنوی، سلامت، بهداشت در بعد جسمانی و مادی افراد در خانواده.

### خانواده در اندیشه حقوقی

حقوق نیز در بخش خانواده چندان در قلمرو نفوذ اخلاق و مذهب است که گفته می‌شود نقش دولت محدود به تضمین قواعد اخلاقی حاکم بر خانواده است و قانون‌گذار در وضع قواعد آن آزادی ندارد و هدف حقوق اسلامی که منشعب از فقه غنی اسلام است حفظ مصلحت خانواده و فرزندان است و می‌خواهد این کانون عاطفی و تربیتی را از گزند خودخواهی‌ها مصون دارد، هر چند به بهای کاستن از آزادی‌های فردی باشد؛ زیرا خانواده واحد بنیادین جامعه اسلامی است و هدف قوانین پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی است.

طبع خانواده با حقوق و احکام آمرانه آن سازگار نیست و اثر قوانین در ایجاد نظم در خانواده ناچیز است. پس اگر در پی آن باشیم که سنتها را دور افکنیم و قانون را جایگزین آن سازیم، در واقع خانواده را میان تهی ساخته‌ایم.

البته نقش حقوق را در تنظیم خانواده نباید انکار کرد. زیرا کسانی هم هستند که با هیچ منطقی جز زور و اجبار تسلیم نمی‌شوند؛ درباره اینان تنها حقوق می‌تواند حداقلی از نظم و عدالت را مستقر سازد. ولی آنچه گاه از نظر دور می‌ماند این است که آخرین و ناقص‌ترین حربه را نباید در اولین گام در مورد خانواده و مسائل آن اعمال نمود.

## سابقه تاریخی خانواده

انسان برای زیستن و انجام فعالیت‌هایش در اجتماع نیاز به محیطی سالم و ابزاری برای رشد و ارتقا دارد. دستورات اسلام و سایر ادیان الهی از سوی خداوند عالم حکیم و سرچشمه فیاض وحی برای راهنمایی و هدایت بشر و رفع مشکلات او صادر گشته است. انتظار از دین حکم می‌کند که مشکلات جامعه را بتوان با استناد به منابع دینی بر طرف نمود؛ یکی از این موارد، مسأله تنظیم خانواده است.

از نظر اصولی و تئوری، ادیان گوناگون و مذاهب اسلامی به مسأله ازدواج و تکثیر نسل، اهمیت بیشتری می‌دهند و رغبتی به کنترل و پیشگیری ندارند؛ اما این ادعا که عقاید دینی مانع تقلیل موالید هستند، سخنی دور از واقع بینی و حقیقت است؛ زیرا تأکید اسلام بر تکثیر، نسل صالح و افزایش جمعیتی است که زمینه‌ساز «**آن الارض یرثها عبادی الصالحون**» باشد.

لیکن اگر جامعه‌ای از نظر امکانات مادی و معنوی توانایی دارد انسان‌هایی لایق و مثمر ثمر برای جامعه و مایه فخر و مباهات اسلامی تربیت کند می‌تواند افزایش نسل را تبلیغ نماید. کارشناسان ناهنجاری‌های محیط زیست، آلودگی هوا، رکود آموزش و افت سطح تحصیلی، مشکلات متعدد اقتصادی، کمبود منابع زمینی و غذا و ... را مشکلات واقعی می‌دانند که حیات جوامع انسانی را به خطر انداخته است. علما و اندیشمندان دینی در خصوص مسأله تنظیم خانواده دو گروه هستند. عده‌ای به پیروی از نظرات کارشناسان اقتصادی جمعیتی و جامعه‌شناسی با استناد به تعدادی آیات و روایات و مسئولیت پدر و مادر و اجرای حقوقی که بر عهده آنهاست، تنظیم خانواده را امروزه امری ضروری می‌دانند و عده‌ای دیگر از صاحب‌نظران دینی با آنان مخالفند و با ارائه دلایلی تنظیم خانواده را رد می‌کنند.

## مفهوم تنظیم در لغت و اصطلاح

تنظیم در لغت به معنی ترتیب و آراستگی، انتظام و ترتیب دادن است (دمخدا، ۱۳۴۴، ذیل واژه). از مفهوم اصطلاحی بر می‌آید که ما باید در جهت اعضاء و افراد خانواده مطابق

امکانات برنامه‌ریزی کنیم. و برای این تنظیم فرهنگ‌سازی نیز نماییم. نقش دولت هم این است که باید در حد توان امکاناتی در اختیار خانواده‌ها قرار دهد تا زمینه‌ساز تعادل و رشد مناسب گردد. اصل در اندیشه اسلامی، تشکیل خانواده، ایجاد نسل صالح و زاد و ولد است. نسلی که قابلیت عمران و استخلاف در زمین را از سوی کردگار داشته باشد. موالید در لغت به معنی فرزندان، نبات و حیوانات است (دهخدا، ۱۳۴۴، ذیل واژه). و در اصطلاح تولید و تکثیر نسل صالح و کاراست.

### کنترل موالید از دو نگاه متقابل

بحث تنظیم و کنترل موالید در جوامع فعلی از دو جنبه مقابل هم مطرح است. در جوامع به اصطلاح پیشرفته بویژه در دنیای غرب یکی از معضلاتی که امروزه رخ نموده و دولت‌ها را به فکر جمعیت خود در دهه‌های بعد انداخته است که متأسفانه به سبب افراط در این ناحیه، بی‌توجهی به کانون خانواده، مسأله کثرت انحلال و طلاق و عدم رغبت به سوی تشکیل آن در سنین جوانی و عدم توجه لازم در زمینه نقش خانواده در ساماندهی شخصیت افراد و جامعه پیش آمده است. توسعه نگرش‌های فمینیستی و بی‌رغبتی زنان به مسولیت‌های مادری و همسری، توسعه آزادی جنسی و بی‌بند و باری و کاهش میزان ازدواج و مواردی دیگر از این قبیل دست به دست هم داده و سبب شده بسیاری از کشورها که دهه‌های قبل مسأله کنترل موالید و شعار فرزند کمتر را مطرح می‌کردند، امروزه جهت‌گیری عکس داشته باشند و افراد جامعه را به تشکیل خانواده و به دنیا آوردن فرزند حتی بطور موقت ترغیب و تشویق نمایند و حتی برای مردانی که می‌خواهند پدر شوند مرخصی زایمان اختصاص دهند. آمار فزاینده در اخبار روزانه حاکی از نگرانی فراوان در این گونه کشورهاست. و اینکه جمعیت جوان کشورها رو به نقصان و میزان میانسالان و یا کهن‌سالان بیشتر از میزان جمعیت جوان است.

### مواردی از وضعیت نگران‌کننده فعلی

۱- افزایش ۳۰ درصدی میزان طلاق نسبت به سال ۱۹۷۰، کاهش ۴۰ درصدی میزان ازدواج از همان سال و صعود سرسام‌آور میزان کودکان نامشروع از ۵ درصد در سال ۱۹۴۰ به ۳۳ درصد در حال حاضر.

۲- بی‌رغبتی عمومی به فرزندآوری و کاهش چشمگیر رشد جمعیت و تهدید نیروی کارآمد جوان در آینده بویژه در کشورهای اروپایی.

۳- افزایش تعداد خانوارهای علاقه‌مندی که سرپرستی آنها را زنان بر عهده دارند از ۳ میلیون مورد در سال ۱۹۷۰ به ۸ میلیون مورد در حال حاضر.

۴- علی‌رغم افزایش ۳۰ درصدی کل جمعیت از ۲۵/۵ میلیون به ۲۵ میلیون کاهش پیدا کرده است تنها حدود نیمی از فرزندان که دارای والدین ازدواج کرده هستند با هر دو والدین حقیقی خود زندگی می‌کنند. بقیه یا با یکی از آنها که مجدداً ازدواج کرده بسر می‌برند یا با ناپدری و نامادری زندگی می‌کنند و خانواده میدان کارزاری شده است که در آن والدین بر سر هزینه‌های نگهداری از فرزند و حق ملاقات با او به ستیز با یکدیگر می‌پردازند.

۵- عبرت‌آمیز است که ۸۷ درصد کسانی که در زندان‌های آمریکا بسر می‌برند یا اصلاً نمی‌دانند پدرشان کیست و یا سال‌هاست که هیچ‌گونه تماس با پدر خود نداشته‌اند. همچنین زنان مطلقه به نسبت هم‌تایان متأهل خود بیشتر مستعد پذیرش دیدگاه‌های فمینیستی می‌باشند. بحران خانواده در زندگی اقتصادی نیز بروز و ظهور داشته است. فروپاشی خانواده عامل ایجاد شکاف میان غنی و فقیر است. به این ترتیب که ثروتمندان اکثراً از خانواده‌های با ثبات برمی‌خیزند و فقراً معمولاً محصول خانواده‌های دارای سرپرست زن هستند. در زمینه دارا بودن یا ندار بودن، ثروت کمتر از نحوه زندگی خانوادگی دخیل است. بدون هیچ شبهه‌ای فساد خانواده معضل شماره یک اجتماعی در آمریکاست.

با این حال بسیاری منکر این واقعیت می‌شوند و استدلال می‌کنند که حقوقی که زنان امروز بدست آورده‌اند، آزادی را که قبلاً هرگز نداشته‌اند به آنان داده است. اما فرزندان دارای یک تربیون سیاسی نیستند. این خودخواهی که مادر یا پدر به دنبال آن هستند، اثر

مخری بر کودکان دارد؛ در عصر لذت آئی، کودکان غالباً در محاسبات به فراموشی سپرده می‌شوند. فرزندان نامشروع کارآیی مدارس را کمتر و خیابان‌ها را ناامن‌تر می‌سازند. آزادی برای طلاق آسان، اغلب منجر به قطع روابط دوستی و همسایگی می‌شود و شب فروپاشی خانواده، بی‌میلی به تشکیل خانواده و ترس از ازدواج و بچه‌دار شدن را دامن می‌زند (محمدی، ۱۳۸۳، ص ۴۵).

### سابقه تاریخی مسأله تنظیم خانواده

حیات بشر در روی زمین با خلقت آدم ابوالبشر و هبوط او و زندگی مشترک با حوا آغاز شده است. تولید و تکثیر نسل از همان زمان شروع شد و تا مدت‌های مدید ادامه یافت، در زمان‌های قدیم هیچ وقت مشکل جمعیت به حدی نرسیده بود که انسان را به فکر کنترل آن وادارد. بین منابع بالقوه و بالفعل زمین که مورد نیاز و استفاده بشر بود، و مواهب طبیعی و جمعیت انسانی توازن نسبی وجود داشت، و از طرف دیگر، کنترل طبیعی جمعیت با عواملی چون زلزله، سیل، آتش فشان و ... وجود داشته است.

مسأله کنترل جمعیت یا تنظیم خانواده که در بسیاری از کشورهای جهان اجرا می‌شود، یکی از مسائل اجتماعی دو قرن اخیر است که خصوصاً پس از جنگ جهانی دوم بصورت جهانی مطرح شد، اصولاً مسأله تنظیم خانواده مسأله‌ای نیست که مطلقاً قابل طرد یا قبول باشد؛ بلکه با توجه به شرایط جامعه و هدفهای آن در زمینه‌های مختلف می‌توان درباره این موضوع فکر کرده، اظهار نظر نمود.

متأسفانه شرایط کنونی زندگی اجتماعی به ویژه کشورهای در حال رشد و جهان سوم مسائلی را برای مردم پیش آورده و نیازها و خواسته‌هایی را طلب کرده است که بسیار متفاوت با گذشته می‌باشد. برخی از این مسائل مانند توجه بیشتر به تغذیه، بهداشت، درمان و آموزش جنبه مثبت نیازها و خواسته‌هاست، اما نکته مهمی که وجود دارد، گرایش به ضروری دانستن آنها در زندگی فردی و اجتماعی خانواده است که خواه ناخواه موجب دگرگونی در رفتار و تنظیم برنامه زندگی آنها شده است، در نتیجه شکل زندگی و رفتار مردم نسبت به مسوولیت پذیری و داشتن فرزند تغییر یافته است.

## تنظیم خانواده در قرن ۱۹

در سال ۱۸۷۸ آنی بیزانت کتابی تحت عنوان «قانون جمعیت» نوشت که بر اساس افکار مالتوس تنظیم یافته بود و درباره تنظیم نسل بحث می‌کرد.

در سال ۱۸۸۵ خانم دکتر ایتاچاکوبیس؛ در هلند «جمعیت مالتوس» را تشکیل داد که هدف آن تنظیم نسل بود؛ در حال حاضر این جمعیت به فعالیت‌های خود ادامه می‌دهد.

در سال ۱۹۱۱ در آمریکا «ویلیام رایبسون» درباره تنظیم نسل و اهمیت آن سخنرانی کرد و در سال ۱۹۳۱ سرانجام جمعیت‌های مختلف تنظیم نسل بهم پیوسته، جمعیت واحدی به نام جمعیت تنظیم نسل را به وجود آوردند. در همین سال در بوداپست، ژنو و پاریس، مرکزی به همین منظور تأسیس گردید (شهبازیان، ۱۳۷۷، ص ۶۵). و در سال ۱۹۴۸ زمامداران ژاپن به علت کثرت و افزایش جمعیت، قانون حمایت از خانواده را از تصویب گذرانند و به مردم حق دادند که به علت‌های اقتصادی یا جسمی از آوردن فرزند جلوگیری کنند (مم). سابقه کنترل جمعیت به نظریه مالتوس بر می‌گردد. وی در سال ۱۷۹۷ میلادی کتابی به نام «رساله در اصل جمعیت» منتشر کرد که پس از آن در سالهای ۱۸۰۳ تا ۱۸۲۱ میلادی به صورت مستدل‌تر از چاپ نخستین، پنج‌بار تجدید چاپ گردید.

با گذشت زمان این نظریه در جهت جلوگیری از رشد جمعیت تقویت گردید، زیرا از سال ۱۸۳۰ تا سال ۱۹۳۰ یک میلیارد نفر بر جمعیت قبلی جهان افزوده شد و تا سال ۱۹۶۰ یک میلیارد دیگر اضافه گشت و تا سال ۱۹۷۵ یعنی در مدت ۱۵ سال جمعیت جهان به چهار میلیارد رسید (بهشتی، ۱۹۷۳، ج ۱، ص ۲۵۳).

یکی از مشکلات اجتماعی که جامعه ایران به ویژه طی دو دهه گذشته با آن دست به گریبان بوده، رشد نامتناسب و بی‌رویه جمعیت نسبت به امکانات موجود در جامعه حاکم است.

افزایش چشمگیر زاد و ولد از یک سو و عدم توجه کافی در ناحیه فرهنگ بهره‌وری از مواهب طبیعی و انسانی و محدودیت منابع مالی و امکانات رفاهی از سوی دیگر،



مشکلات بسیاری را هم در قلمرو عمومی، یعنی برنامه‌ریزی‌های توسعه اقتصادی و فرهنگی و هم در حوزه خصوصی، معینی تنظیم امور خانواده‌های ایرانی پدید آورده است. از سوی دیگر در ناحیه تعامل میان فرهنگها، و به ویژه سلطه‌گری و توسعه فرهنگ غرب و نفوذ فرهنگ بیگانه در ایران مشکلاتی را در راه حرکت از سنت به مدرنیته شدن ایجاد نمود که تأثیراتی را در خانواده و توالد نیز به دنبال داشت. از طرف دیگر، واقعیتها حاکی از آن است که اکثریت قریب به اتفاق مردم ایران خواهان آن هستند که امور اجتماعی خود را به گونه‌ای تنظیم کنند و سامان بخشند که با قوانین اسلامی و موازین شرعی مغایرت نداشته باشد، آنان این پایبندی را بخشی از هویت تاریخی و فرهنگی خود می‌شمارند مسائلی که در زمینه بهداشت و تنظیم خانواده پیش آمد، شناسایی حکم اسلام در این زمینه را ضروری نمود و سؤالاتی از این قبیل مطرح شد، به کار بردن عوامل ضد باروری بخصوص قرصهای ضد بارداری از نظر اسلامی جایز است یا نه؟ آیا عقیم کردن پدر یا مادر به وسیله ابزارهای گوناگون پزشکی جایز است؟ حکم سقط جنین در مراحل گوناگون از نظر اسلام چیست؟ آیا اصولاً فکر کم بچه داشتن بر خلاف آنچه ما از اسلام می‌دانیم، نیست؟

### نگاهی به منابع دینی درباره زاد و ولد

روایاتی از پیغمبر اکرم وارد شده است مثلاً آن حضرت فرمود: **اکثروا الولد و اکثروا بکم غداً** «فرزند زیاد بیاورید، من فردا به شما با داشتن امت بزرگ و پرجمعیت بر دیگران مباحثات می‌کنم (الحر العاملی، ۱۴۱۴ هـ ج ۲۱، ص ۳۵۸).

ما باید در فرهنگ دینی، بومی، استقلال و خودباوری فکری، کار کنیم و سرمایه‌ها و توانمندی‌های نسل خود را بشناسیم. تنظیم خانواده را می‌توان نظم و سامان دادن به تعداد اعضای خانواده در حد امکانات خانواده و جامعه؛ لذا بحث تنظیم و کنترل دو چیز مجزا از یکدیگر است بحث از تنظیم، نظم و سامان‌دهی به توالد و تکثیر است نه فقط کنترل؛ حال سؤال این است که اصل در اسلام کنترل است یا تکثیر؟

خداوند در قرآن می‌فرماید «وَكُنْزَكُم مِّنْكُمْ أَهْلٌ مِّنْكُمْ وَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا» (بقره، ۱۴۳).

با توجه به مفاد این آیه می‌توان نتیجه گرفت که تعادل و ثبات و سلامت خانواده را باید در نظر گرفت اصل اولی در اسلام تکثیر نسل و سامان‌دهی به این تکثیر و به نظم در آوردن اعضای خانواده است؛ بطوری که تکاملش کامل گردد و نسل صالحی به جامعه ارائه دهد. لذا در تعبیر روایی فقط مسأله تکثیر بدون دغدغه دینی و تربیتی نیست. قبل از تشکیل خانواده می‌فرماید «اخْتَارُوا لِنَفْسِكُمْ قَانَ الْعِرْقِ دَسَائِرًا» (الحرالعالمی، ۱۴۱۴ هـ، ج ۱۴، ص ۱۰۵). یعنی مسأله فرزندآوری و تولید نسل از جایگاه والایی برخوردار است که تمام مراتب زندگی طرفین را متأثر می‌نماید؛ از آن جمله انتخاب همسر و رعایت ارزش مداری زوجین برای تربیت و فرزندآوری صحیح.

آری وقتی که دو انسان مسلم و متعهد با هم بنای همسری و تشکیل کانون الفت می‌نهند واحدی پر خیر و برکت را در جامعه تشکیل می‌دهند، در نتیجه خدمات ارزنده‌ای به جامعه می‌دهند؛ که یکی از شاخه‌های آن پروراندن فرزندان صالح و پاک است لذا درهای رحمت بسوی خانواده و فرزندان و نسل و محیط اجتماع گشوده می‌شود (مشکینی، ۱۳۵۹، ص ۱۸).

هدف ازدواج در اسلام تکامل روح و جسم و خوشبختی زوجین می‌باشد و آوردن فرزند برای کامل کردن هر چه بیشتر آنها و سهم کردن فرزند در این خوشبختی است (روحانی، ۱۳۵۵، ص ۹).

تداوم و استواری خانواده بر فرزند داری بنا شده است؛ زیرا یکی از اهداف زناشویی در تعالیم اسلامی داشتن فرزند است و در احادیث پیامبر و ائمه معصومین علیهم السلام به همین معنا اشاره شده است؛ به گونه‌ای که از مجموع احادیث، اصلی ثابت را در تعالیم اجتماعی اسلام می‌توان استنباط کرد.

داشتن نسل از مقاصد ازدواج است و حتی توصیه شده است آدمی برای داشتن نسل دعا کند و آن را از خدا بخواهد، حضرت یعقوب به فرزندش دستور داد زن بگیرد. به این امید که خدا از او نسلی پدید آورد که زمین را از ذکر خدا گران بار کند.

امام سجاد (ع) فرمود: فرزند خوب چیزی است که اگر بماند دعای بعد است. اگر بمیرد شفاعت‌گری است که پیش از پدر و مادر از دنیا رفته است.

در تولید نسل توصیه این است که از فقر و نادانی نترسید و به فرموده رسول خدا (ص) اگر فردی از ترس فقر از بچه دار شدن جلوگیری کند، مورد نفرین است. و نیز فرموده اگر فرزند سقط شود پدر را به بهشت می‌برد و اگر بمیرد، خدای اجرش دهد و اگر بماند برای او پس از مرگ طلب آموزش کند (قائمی، ۱۳۶۹، ص ۶۱). از تمامی این متون بر می‌آید که در کنار امر زاد و ولد مسأله نسل سالم و صالح در اندیشه دینی کاملاً مورد توجه است.

### تنظیم خانواده در آیات و روایات

در هیچ یک از آیات قرآن مجید، آیه‌ای که مستقیماً با مسأله تنظیم خانواده ارتباط داشته باشد، وجود ندارد و یا آیه‌ای که به طور قطع جلوگیری از حاملگی را منع کرده باشد، دیده نمی‌شود؛ ولی حکم اجرای مفاد برخی آیات که برای موضوع دیگری نازل شده‌اند و اجرای مفاد آنها قهراً به نوعی تنظیم خانواده منجر می‌شود.

خداوند در قرآن می‌فرماید **وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا**؛ «پروردگارا ما را از همسران و فرزندانمان آرامش دیدگان عطا کن» (فرقان، ۷۴). بندگان رحمان در دعای خود درخواست کنند که همسران و ذریه‌هایشان قره عینی ایشان باشد تا موفق به طاعت خدا و اجتناب از معصیت او شوند. در نتیجه از عمل صالح آنان چشم ایشان روشن گردد. این دعا می‌رساند که بندگان رحمان اهل حقند و پیروی هوای نفس نمی‌کنند زیرا هر همسر و هر ذریه‌ای را دوست نمی‌دارند بلکه همسر و ذریه‌ای را دوست دارند که بنده خدا باشند و ما را برای متقین امام قرارده» (طباطبایی، بی تا، ج ۱۵، ص ۳۵۴-۳۵۵).

در یک نگرش کلی به روایات می‌توان گفت هیچ دلیلی بر حرمت تنظیم خانواده نداریم و اگر مطلوب بودن زیاد اولاد داشتن و تکثیر نسل هم ثابت شود این دلیل بر حرمت پیشگیری از بارداری نمی‌شود و بر فرض که ادله زیاد بچه داشتن را ثابت کند، اما

همین اندازه دلالت داشتن به معنی الزام و وجوب نیست تا با جایز بودن تنظیم خانواده ناسازگاری داشته باشد.

مرحوم علامه مجلسی در کتاب بحارالانوار بابی را تحت عنوان «باب فضل توسعه العیال و مدح قلة العیال» گشوده است. روایات این باب را در دو بخش جمع کرده است؛ بخشی مربوط به اهمیت وسعت دادن خانواده و بخشی فضیلت کم داشتن عیال و فرزند و بخش دوم روایاتی درباره تشویق به کم بچه داشتن اشاره می‌کند (مجلسی، ۱۳۹۱، ج ۱۰۱، ص ۶۹). دین اسلام، بلکه تمامی ادیان آسمانی پیروان خود را به افزایش جمعیت با ایمان و شایسته به اندازه‌ای که در توان آنان باشد، فرا می‌خواند لیکن برنامه‌ریزی، نظم، تدبیر، تعادل را جزء اصول زندگی انسان می‌شمارد در این باره روایات بسیاری از شیعه و سنی ذکر گردیده است.

### ارزیابی روایات تکثیر و کنترل

۱- در صحیح محمد بن مسلم به روایت از امام صادق (ع) آمده است، پیامبر خدا (ص) فرمود **تزوجوا فانی مکاتر بکم الأمم غداً فی يوم التیامه**؛ «ازدواج کنید که من به سبب زیادی جمعیت شما بر دیگر امتها مباحثات می‌کنم» (الحر العاملی، ۱۴۱۴، ج ۱۴، باب ۱، حدیث ۲، ص ۳).  
۲- جابر از امام باقر (ع) نقل می‌کند که پیامبر خدا (ص) فرمود **ما یمنع المؤمن أن یتخذ اهلاً** **لعل الله یرزقه نسمة تتقل الارض بلا إله الا الله**؛ «چه چیزی انسان مؤمن را از این باز می‌دارد که همسری بگیرد، تا شاید خداوند فرزند برای او روزی کند که زمین را با «لا اله الا الله» آکنده سازد» (همو).

۳- از امیر مؤمنان علی (ع) در حدیث اربعماه نقل شد که می‌فرمود ازدواج کنید، زیرا پیامبر خدا (ص) بارها فرمود **من کان یحب ان یتبع سنتی فلیتزوج فان من سنتی التزویج واطلبوا الولد فانی اکاتر بکم الأمم غداً**؛ «هرکس دوست دارد که پیرو سنت من باشد باید ازدواج کند، زیرا ازدواج سنت من است. در جستجوی فرزند باشید، زیرا من در فردای قیامت با جمعیت انبوه‌تان، بر امت‌ها مباحثات می‌کنم».

## اصل در موالید کنترل است یا عدم کنترل؟ و در اندیشه اسلامی کدام یک مقدمتر است؟

آنچه که بعنوان اصل و قاعده اولیه در متون روایی است، فرزندآوری و داشتن فرزندان متعدد و تکثیر است لیکن این اطلاعات از مقیداتی برخوردار است که با در نظر داشتن جامعیت قوانین دینی چه از منظر تربیتی و چه از منظر نظم و سامان‌پذیری و ترسیم گستره حقوق و تکالیف در خانه و خانواده و تأثیر و تأثر نظام خانواده در ساختار اجتماعی و بالعکس، توجه به قواعدی کارساز مثل قاعده نفی حرج و عسر یا قاعده نفی سبیل و سلطه از دنیای کفر بر دنیای اسلام و مواردی از این قبیل مستلزم آن است که با نگاه واقع بینانه و دقت عقلانی بیشتر به این مسأله پرداخته شود؛ هم تعادل جمعیت در دهه‌های بعدی، هم حفظ شاکله خانواده بر اساس حضور گرم فرزندان و توجه به قابلیت‌ها و استعداد‌های نهفته آنان و برخورداری از امکانات تعلیم و تربیت آنان و نیز توجه به مقابله با طرح‌های صهیونیستی در تکثیر زاد و ولد در مناطق یهودی نشین، رشد اندیشه ولایی و تفکر خاص علوی و حمایت از اصول و مبانی فقه جعفری و ترویج اندیشه انتظار و ظهور حق و حمایت از نهضت مهدوی همه و همه موضوعاتی است که در برنامه کنترل موالید ما را به برنامه‌ریزی دقیقتر، عالمانه‌تر و شایسته‌تر فرا می‌خواند.

### روایات و حکم «عزل»

موارد عزل عبارت است از اینکه ۱- مادر، اندیشه سالم ندارد؛ ۲- شرایط خانواده مطلوب نبوده؛ ۳- شرط ضمن ازدواج؛ ۴- عزل از کنیز.

دلیل بر عدم وجوب افزایش نسل، روایاتی است که درباره چایز بودن «عزل» وارد شده است؛ در این خصوص فرق نمی‌کند که «عزل» مشروط به رضایت زن آزاد باشد و یا اینکه شوهر در (آغاز ازدواج) آن را با زن شرط کند. چنان که در صحیح محمد بن مسلم از امام باقر و یا امام صادق (علیه السلام) نقل شده که از او درباره عزل پرسیدند. امام (علیه السلام) فرمود عزل از کنیز اشکال ندارد. اما از زن آزاده، من این کار را ناپسند می‌دانم، مگر آنکه به هنگام ازدواج با وی شرط شود (الحر العاملی، ۱۴۱۴هـ، باب ۷۶، حدیث ۱ - ۲، ص ۱۰۵).

در صحیح‌ه دیگر از ابو‌جعفر (ع) نظیر این حدیث نقل شده که در سخنان خود فرمود مگر اینکه زن راضی شود یا این امر در هنگام ازدواج با وی شرط گردد. دلیل دیگر بر عدم وجوب فرزنددار شدن، روایاتی است که «عزل» را به گونه‌ای مطلق روا می‌دانند؛ یعنی حتی اگر زن رضایت ندهد و در هنگام ازدواج هم، مرد با وی شرط نکند، در صحیح‌ه محمد بن مسلم چنین است، از ابو عبدالله (ع) درباره عزل پرسیدم، امام (ع) فرمود **ناک الی الرجل یصرفه حیث شاء؛** «آن به اختیار مرد است، هر جا که بخواهد می‌تواند آن را صرف کند» (الحر العاملی، ۱۴۱۴ هـ، ج ۱۴، باب ۷۵، حدیث ۱-۲-۴، ص ۱۰۵). در موققه محمد بن مسلم از ابو‌جعفر (ع) آمده که فرمود: **لا بأس بالعزل عن المرأة؛** «عزل اشکالی ندارد» (همو).

با نگاهی ژرف به روایات وارد شده در این زمینه می‌توان دریافت که این روایات دلیل قطعی است که «کراهت» در صحیح‌ه نخست با روا بودن «فعل» همساز است. همچنین به قرینه همین روایات، هر روایت دیگری که ظهور در حرمت داشته باشد، بر کراهت حمل خواهد شد.

نتیجه آنکه هر دو گروه روایات، یک سخن را می‌رسانند عزل در کنیز، همواره روا می‌باشد و در زن آزاده در صورتی که وی رضایت دهد یا در آغاز ازدواج با وی شرط شده باشد، رواست. مقتضای این دو گروه روایات آن است که «عزل» جایز است حتی اگر به محروم شدن زن و شوهر از داشتن فرزند بینجامد، زیرا اگر بچه آوردن برای آن دو واجب می‌بود، باید برای روا بودن «عزل» در روایات قیدی آورده می‌شد. مطلق آمدن جواز عزل، دلیل روشنی است بر اینکه بچه آوردن واجب نیست تا چه رسد به اینکه افزودن آن واجب باشد.

### روایات ترغیب بر تکثیر

روایاتی که به ازدیاد فرزند تشویق می‌کند، تنها نشان دهنده آن است که این کار، یک کار پسندیده است؛ زیرا موجب مباحات پیامبر (ص) بر سایر امتها و پیامبران می‌شود و نیز زمین از ذکر تسبیح آکنده می‌گردد و جهات دیگری که تنها نیکویی داشتن اولاد را

می‌رساند و نه واجب بودن آن را. در این صورت، جلوگیری از بچه‌دار شدن جایز است، زیرا چنان‌که بیان شد، دلیلی بر وجوب آن ندارد، بلکه اقتضای اطلاق دلایل یاد شده، روا بودن جلوگیری از بچه‌دار شدن می‌باشد.

## جمع بین روایات

اسلام افزایش نسل را اعم از دختر و پسر مورد ستایش قرار داده و مبارک دانسته است. ولی هنگامی که انگیزه‌های معقول و ضرورت‌های معتبری در مورد تنظیم نسل وجود داشته باشد، رخصت و اجازه چنین کاری را برای مسلمانان صادر کرده است. دین مبین اسلام به گونه‌ای کلی زناشویی و فرزندآوری و نگهداری فرزند را سفارش می‌کند؛ ولی آیه‌ای هم فرود نیامده است که جلوگیری از باروری را منع کرده باشد. در سوره بقره زمان دو سال برای شیر دادن مادر به کودکش سخن به میان می‌آورد می‌فرماید **لا تضار والده بولدها...**؛ «نباید مادر در نگهداری فرزند به زیان افتد» (بقره، ۲۳۳)، (نشانگر توجه به بهداشت و سلامتی مادر و توانایی او در بارور شدن و زایمان می‌باشد و در آنجا می‌فرماید... و نه پدر بیشتر از حد متعارف کودک متضرر شود...) این آیه توجه به این نکته دارد که پدر باید توانایی لازم برای نگهداری زندگی فرزند را دارا باشد تا اینکه برای پرورش تن و اندیشه او زیر فشار قرار نگیرد و نیز در همان آیه می‌فرماید «و هیچ کس را تکلیف جز اندازه طاقت نکنند...» این آیه توجه به این نکته دارد که شمار فرزندان یک خانواده بیش از اندازه توانایی پدر و مادر باشد. این استدلال راه را برای برنامه‌ریزی خانواده باز می‌کند و ... جز به اندازه «طاقت» بیانگر وضع اقتصادی خانوار است که با وضع اقتصادی کشور پیوند دارد. بنابراین در اقتصادهای ناتوان و نابسامان توجه به این مطلب بایسته است و در گزینش سیاست‌های جمعیتی بهتر است که با توجه بیشتری به این مسأله بنگریم.

## نظر علما و فقها درباره عزل

مرحوم شیخ بحرانی قائل به جواز عزل است و تنها در صورت عدم رضایت زن آن را

مکروه دانسته است (بحرانی، ۱۴۱۳ هـ، ج ۲۳، ص ۸۱).

محقق حلی از فقهای بزرگ شیعه در قرن هفتم در این زمینه می‌گوید «عزل کردن از زن بی‌اجازه و دستور او حرام است». و در جای دیگری می‌فرماید روا باشد شرط کردن با زن و اگر راضی باشد پس از عقد می‌تواند عزل کند بی‌دستور و اجازه او و اگر فرزندی به وجود آید، فرزند از آن مرد است (اگر چه عزل کرده باشد) و در جای دیگر می‌فرماید «روا نباشد نفی کردن فرزند برای عزل» (الحلی، بی تا، ج ۱، ص ۱۷۲ و ۲۳۲-۲۴۵).

آیت الله سید محمد شیرازی در خصوص عزل می‌فرماید «حق عزل مرد می‌تواند با به کار بردن پوشش یا ریختن نطفه در برون از زهدان، از بارداری همسر موقت جلوگیری کند». در جای دیگر می‌گوید «شاهد گفتار ما اولاً آن که در زناشویی دائم بدون رضایت زن عزل جایز نیست ولی در متعه جایز است» (شیرازی، بی تا، ص ۲۴۳-۲۴۷).

### ضرورت‌های کنترل و تنظیم در جوامع فعلی

بطور خلاصه می‌توان علت تأکید بر کنترل مولید را چنین بر شمرد:

الف- گذار از زندگی سنتی به مدرن و تحولات اسلوب زندگی و سختیهای عارض از آن.

ب- تزیاید هزینه برای تأمین مایحتاج فرزندان در خانواده.

ج- توسعه شهرنشینی و عدم توازن میان امکانات و افراد در خانه و جامعه.

د- ممنوعیت اشتغال کودکان در دوران زیر سن بلوغ و حذف کار کودکان و نوجوانان در سبکهای ساده و سنتی آن.

ه- گرایش، توسعه و حاکمیت اندیشه‌های فمینیستی و افکاری که فرزندآوری را منفی با آزادی‌های اجتماعی افراد می‌شمارد.

و- عدم امکانات دولتها در پاسخگویی به نیازهای اجتماعی کودکان و جوانان.

ز- اهداف سیاسی و قالب سازی آنان در گردونه نظم نوین جهانی.



## تنظیم خانواده و روش آن

جلوگیری از بچه‌دار شدن و تنظیم خانواده گاه از راه عزل طبیعی؛ گاه با بکارگیری ابزارهای خاص از طریق ریختن ماده‌ای در داخل رحم که از تشکیل شدن نطفه جلوگیری می‌کند.

با استفاده از دارو یا قرص یا آمپول که موجب می‌شود تخمک زن یا اسپرم مرد، پذیرش تشکیل نطفه را از دست بدهد؛ قرار دادن ابزاری در داخل رحم یا انجام عمل جراحی که مانع از ملاقات اسپرم مرد با تخمک زن می‌شود؛ با انجام عمل جراحی اسپرم مرد یا تخمک زن را از تشکیل نطفه در مرد یا زن خارج می‌کند و.....

تمام این صورت‌ها و انواع روش‌های ذکر شده که همگی در جلوگیری از تشکیل نطفه مشترکند، هیچ دلیلی بر ممنوع بودن استفاده از آنها وجود ندارد. بلکه اقتضای ادله روا بودن «عزل»، جایز بودن تمام این روش‌هاست؛ از این لحاظ که همگی از تشکیل نطفه جلوگیری می‌کنند. البته برخی از این روش‌ها، موجب حرمت می‌شود مانند اینکه مرد، زن را مجبور کند که یکی از روش‌های جلوگیری را به کار گیرد و مجبور کردن زن، تصرف در سلطه دیگری و ستم بر اوست. و در نتیجه بر شخص اجبار کننده حرام است؛ مانند این که در داخل رحم ابزاری کار گذاشته شود یا انجام عمل جراحی توسط غیر شوهر صورت گیرد که موجب نگاه کردن شخص (غیر شوهر) به بدن زن است که حرام می‌باشد. در صحیحه ابو حمزه ثمالی از ابوجعفر (علیه السلام) از امام درباره زنی مسلمان پرسیدم که آسیبی به بدن او می‌رسد، یا شکستگی یا زخم در عضوی از بدن او که نگاه کردن بدان جایز نیست، پدید می‌آید، آیا مردی که به معالجه کردن آن بیشتر از زنان مهارت دارد، می‌تواند به او نگاه کند؟ امام فرمود هرگاه زن نیاز ضروری به آن پزشک داشته باشد، او می‌تواند زن را درمان کند، در صورتی که زن بیمار اجازه دهد (الخرالعاملی، ۱۴۱۴ هـ، ج ۱۴، باب ۱۳۰، حدیث ۱، ص ۱۷۲).

## عقیم سازی زن یا مرد

هر گاه عمل جراحی سبب عقیم شدن مرد یا زن بطور دائم شود، برخی آن را حرام دانسته‌اند؛ زیرا این عمل از مصادیق ضرر زدن به نفس به شمار می‌رود که از محرمات شرعی است.

سخن پیامبر (ﷺ) که در موثقه زراره نقل شده است «لا ضرر و لا ضرار» نه ضرر زدن بر خود رواست نه ضرر زدن به دیگران» (همو، ج ۱۷، باب ۱۳۰، حدیث ۳-۴، ص ۳۴۰-۳۴۱)، بدون شک مراد از «ضرار» وارد کردن ضرر است؛ از این رو پیامبر (ﷺ) فرمود **یا أراک یا سمره! لا مضارا إنک رجل مضار ولا ضرر ولا ضرار علی مؤمن؛** «تو ای سمره نمی‌یابم جز اینکه ضرر وارد کنی» «تو مردی هستی که ضرر وارد می‌کنی و شخص با ایمان، نه به خود ضرر وارد می‌زند و نه به دیگران» (همو).

## آیا پیشگیری از باردار شدن زن از نظر موازین اسلامی جایز است؟

با بررسی این روایات می‌توان به این نتیجه رسید که مرد می‌تواند به وسیله عزل از باردار شدن همسرش جلوگیری کند مخصوصاً در برخی روایات. در این جا باید نکته‌ای را متذکر شد که اگر جو خانوادگی چنان است که مرد بیم آن دارد که فرزندش دارای مشکلات جسمانی، فکری یا روانی باشد، این کار مستحب است مرد به انجام آن تشویق شود؟ ولی در مورد زن بستگی به اجازه او دارد و در مورد کنیز نه (چنانچه فتوای فقها این است که در عروه الوثقی هم مسأله مطرح است و حمل بر کراهت می‌شود (طباطبایی یزدی، ۱۴۱۲ هـ، ج ۲، ص ۱۰۹).

## اقدام به از بین بردن نطفه

یکی از محرماتی را که کثرتاً در متون آیات و روایات با آن مواجه هستیم حتی در موارد صعوبت اقتصادی صراحتاً قرآن کریم می‌فرماید **«لا تقتلوا اولادکم خشیه املاق نحن نرزقکم وایاهم»** (انعام، ۱۴۹). که در این آیه مبارکه حرمت قتل نفس روشن و مشهود است و این قتل از مرحله انعقاد نطفه تا مراحل رشد جنین و طفولیت را شامل می‌شود.

فقیهان در بحث دیات هم به قصد بیان مقدار دیه این موضوع را در مراحل مختلف آن، یادآور شده‌اند که هر یک از زن و شوهر که جنین را سقط کند، از دیه محروم خواهد شد. از سقط کننده هم به جانی (جنایتکار) تعبیر کرده‌اند.

آری، حکم صورت دوم را شیخ صدوق در غسل حیض و نفاس از کتاب «من لا یحضره الفقیه» بیان کرده و گفته است «هرگاه زن یک ماه حیض نشود، درست نیست دارویی بخورد تا حیض شود، زیرا وقتی نطفه در داخل رحم قرار می‌گیرد به علقه تبدیل می‌شود، سپس به مضغه و آن گاه به آنچه خدا بخواند و گاه نطفه در غیر رحم قرار گیرد، چیزی از آن آفریده نمی‌شود. پس اگر زن یک ماه حیض نشود و روزهای عادت او سپری شود نباید دارو بخورد» (الحر العاملی، ۱۴۱۴هـ، ج ۲، باب ۳۳، حدیث ۱، ص ۵۱۲).

در شرحی به نام «روضه المتقین» این گونه توضیح می‌دهد: کلینی آن را به سند صحیح از امام (ع) نقل کرده است [از سبک گفتار بر می‌آید که منظور امام موسی بن جعفر (ع) است] این روایت حرمت دارو خوردن را بیان می‌کند که به منظور حیض شدن انجام می‌شود و آن هم در جایی است که گمان بارداری شدن می‌رود؛ زیرا ظاهر حدیث بر آن است که بند آمدن خون بر اثر بارداری شدن باشد و اگر ظهور نداشته باشد، دست کم احتمال آن وجود دارد. در حالی که سقط بچه حرام و حتی از گناهان کبیره است. از این رو، باید راه احتیاط را پیش گرفت. در هر حال، روایاتی معتبر هستند که از آنها حرمت انداختن جنین بر می‌آید. از آن جمله است روایت رفاعه بن موسی که گفت به امام صادق (ع) عرض کردم کنیز را می‌خرم و گاهی به سبب فاسد شدن خون یا وجود نوعی باد در داخل رحم، حیض نمی‌شود و او دارو می‌خورد و از همان روز حیض می‌شود و آیا این کار جایز است؟ با آنکه نمی‌دانم بند آمدن خون نشانه بارداری او است یا چیز دیگر؟ امام (ع) فرمود این کار را نکن. من گفتم مدت یک ماه است که وی حیض نشده و اگر این امر بر اثر بارداری باشد، بار او نطفه‌ای خواهد بود، همانند نطفه مردی که دور ریخته می‌شود، امام فرمود هرگاه نطفه در داخل رحم بریزد، به علقه تبدیل می‌شود، سپس به مضغه و آن گاه به هر چیزی که خدا بخواند و هر گاه نطفه در غیر رحم بریزد، از آن چیزی پدید نمی‌آید.

هر گاه کنیز یک ماه حیض نشود و ایامی که معمولاً در آن حیض می‌شده، سپری شود به او نباید دارو خورانده شود (الحر العاملی، ۱۴۱۴ هـ، ج ۲، باب ۳۳، حدیث ۱، ص ۵۱۲).

دلالت این روایت بر حرمت سقط جنین روشن است؛ زیرا پرسش کننده آشکارا درباره روا بودن انداختن نطفه پرسش کرده و امام (علیه السلام) او را باز داشته است. بنابراین نهی در این جا در عدم جواز صراحت دارد. وانگهی وقتی راوی مورد سؤال را با منی مقایسه می‌کند که در بیرون رحم ریخته می‌شود، امام (علیه السلام) پاسخ می‌دهد که میان نطفه و منی تفاوت است و سرانجام، بر نهی از این کار تأکید می‌کند.

افزون بر همه آنچه گفته شد، نکته دیگری است که دلالت روایت بر حرمت سقط جنین را نشان می‌دهد. نخست اینکه پرسش درباره احتمال بارداری است و امام (علیه السلام) آشکارا از خوردن دوا در جایی که احتمال بارداری می‌رود، نهی می‌کند تا شخص در حرام نیفتد و این نکته حرمت مؤکد آن را آشکار می‌سازد. به گونه‌ای که حتی در مورد شک و احتمال هم باید احتیاط کرد. بالاتر از همه، دنباله حدیث است که به روشنی بر حرمت دور ریختن نطفه دلالت دارد. دیگر آنکه گویی روایت فقط به این توجه دارد که این حرمت در گرو خوردن دارویی است که موجب از بین بردن نطفه می‌شود که سر آغاز پیدایش انسان است. در نتیجه این روایت به طور کلی نگاهی دارد بر حرمت سقط جنین، هر چند این عمل با رضایت زن و شوهر باشد.

هرگاه به دور ریختن نطفه که سنگ زیرین ساختار انسان است حرام باشد، انداختن جنین در مراحل بعدی نیز حرام خواهد بود و دلالت صحیحه بر این حرمت روشن است، زیرا ظهور در این دارد که انداختن مبدأ آفرینش انسان در هر مرحله که باشد، حرام است.

## مراحل جنین از نظر قرآن

و لقد خلقنا الانسان من سلاله من طین، ثم جعلناه نطفه فی قرار مکین ثم خلقنا النطفه علقه...؛ «ما انسان را از چکیده‌ای از خاک آفریدیم؛ آن گاه او را به صورت نطفه‌ای در جایگاهی آرام قرار دادیم؛ آن گاه نطفه را علقه گردانیدیم و سپس علقه را مضغه؛ آن گاه نطفه را لخته خونی گردانیدیم و آن گاه لخته خون را پاره گوشتی خط خط دار. و آن گاه در این پاره

گوشت خط خط دار استخوان پدید آوردیم و پیرامون استخوان را گوشت پوشانیدیم، آن گاه او را آفرینشی (تطوری، تحولی) دیگر بخشیدیم که مرحله دمیدن روح الهی در اوست. پاینده باد خدا که بهترین آفرینندگان است» (مؤمنون، ۱۲-۱۴)؛ در جای دیگر می‌فرماید «قل الروح من أمر ربي وما أوتيتم من العلم إلا قليلاً» (اسراء، ۸۵). با بررسی این دو آیه این گونه استنباط کرده‌اند که با تکمیل بدن مرحله ولوج روح فراهم می‌گردد و شاکله حیات کم‌کم در او تکمیل می‌گردد، لذا سقط قبل از دمیدن روح هم مقابله با حق حیات جنین است پس دیده دارد. ولی اگر وقتی به این جنین روح دمیده می‌شود حکم سقط آن به صراحت روشن و حرام است.

صاحب جواهر در این باره می‌گوید: «و کیف كانه فلا كفارة على الجناني عندنا بل الاجماع بتسميه عليه لعدم صدق القتل؛ فرض عدم ولوج الروح» در دیده جنین که تا صد دینار است مربوط به قبل از ولوج روح است یعنی قبل از اینکه روح در آن وارد شود کفاره نیست فقط دیده است. بلکه اجماع محصل و اجماع منقول بر این مطلب است چرا؟ چون در فرضی که روح در او ولوج پیدا نکرده و وارد نشده، قتل صدق نمی‌کند؛ این صریح عبارت جواهر است (نجفی، ۱۹۸۱م، ص ۳۶۴).

لیکن غالب فقیهان معتقدند در حرمت «سقط جنین» نباید شک کرد، حتی در آغاز تشکیل آن، و در هنگامی که نطفه باشد، بلکه در صورتی که احتمال بارداری وجود داشته باشد خوردن دارو یا انجام دادن عملی که موجب افتادن جنین شود، روا نیست. از این رو، اگر زن دارویی بخورد یا عمل مزبور را انجام دهد در حالی که احتمال بارداری خود را بدهد و بعداً روشن شود که او باردار بوده است، کار حرامی را انجام داده که ممکن است از گناهان کبیره باشد و خداوند به احکام خود داناتر است.

### دیه جنین از نظر روایات

روایتی از محمد بن یعقوب، به اسناد از قول امیرمؤمنان علی (علیه السلام) نقل شده است، ایشان می‌فرماید «دیه جنین چهل دینار است، منی مرد تا زمانی که به جنین تبدیل شود پنج جزء است. تا وقتی که جنین است و هنوز روح به او تعلق نیافته، صد دینار، زیرا خداوند

متعال انسان را از سلاله خلق کرده که همان نطفه است (این یک جزء) پس سلاله به علقه تبدیل می‌گردد (جزء دو) علقه به مضغه تبدیل می‌گردد (جزء سه)، پس از آن استخوان در جنین پدید می‌آید (جزء چهار) پس گوشت بر استخوان می‌روید و خلق جنین کامل می‌شود و جزء پنجم تکمیل می‌شود. برای این پنج جزء صد دینار است. صد دینار پنج قسمت است دیه نطفه یک پنجم این صد دینار است که می‌شود ۲۰ دینار. دیه علقه دو پنجم صد دینار، یا چهل دینار است. دیه مضغه سه پنجم صد دینار، یا شصت دینار است. دیه استخوان چهار پنجم یا ۸۰ دینار. و دیه جنینی که بر استخوانهایش گوشت روییده، صد دینار کامل است.

پس وقتی «خلق آخر» که همان روح است، پایان یافت، دیه نفس کامل دارد؛ یعنی اگر پسر باشد هزار دینار و چنانچه دختر باشد پانصد دینار است (الحرالعاملی، ۱۴۱۴ هـ، ج ۲۹، باب ۲۹، ص ۳۱۲).

### دیه جنین از نظر فقها

گروهی از فقهای ما، بر طبق مضمون این روایت فتوا داده‌اند، محقق حلی می‌فرماید نظر چهارم در لواحق چهارگانه این بحث است:

اول، در جنین، دیه جنین مسلمان صد دینار است. در صورتی که جنین کامل شده باشد ولی هنوز روح به آن تعلق نگرفته باشد. این حکم برای جنین پسر یا دختر یکسان است. چنانچه روح به جنین تعلق گرفته باشد، دیه کامل برای پسر و نصف آن برای دختر پرداخت می‌گردد. وجوب این حکم در صورتی است که به زنده بودن جنین یقین حاصل شود و سکون پس از حرکت، معتبر نیست زیرا ممکن است بر اثر باد باشد. کفاره در این جا در صورت مباشر شدن در جنایت واجب می‌شود. اگر خود زن حملش را ببندازد، چه به مباشرت و چه با سبب شدن، دیه آنچه که انداخته، بر اوست و در این حال از دیه چیزی به او نمی‌رسد (محقق حلی، ۱۴۰۳ هـ، ج ۲، ص ۳۹۷-۳۹۸).

صاحب جواهر در این باره می‌فرماید به هر حال، از نظر ما لازم نیست، جانی کفاره‌ای بپردازد و حتی هر دو نوع اجماع (مخصل و منقول) نیز در این مورد وجود دارد.

زیرا وقتی فرض بر این است که روح به جنین تعلق نگرفته، دیگر قتل معنا ندارد (نجفی، ۱۹۸۸م، ج ۶، ص ۷۴۲).

شهید ثانی هم در این خصوص می‌فرماید در این مورد کفاره‌ای واجب نیست، مگر در قتل جنین، آن هم در تمامی حالات، زیرا وجوب کفاره مشروط به زمانی است که جنین مقتول دارای حیات بوده باشد. اگر روح به جنین تعلق گرفته باشد. چنانچه جنین پسر باشد، دیه کامل و اگر دختر باشد، نصف آن پرداخت می‌گردد (شهید ثانی، ۱۴۱۸هـ، ج ۲، ص ۳۷۳).

### دیه جنین در قانون مجازات اسلام

- ۱- اگر روح دمیده باشد دیه کامل ۳۱/۲۰۰ کیلوگرم نقره
  - ۲- سقط جنین که گوشت روییده دیه کامل ۳۱/۲۰۰ کیلوگرم نقره
  - ۳- خلعش از نظر جسمی تمام شده ۱۰۰ دینار ۳/۱۲ کیلوگرم نقره
  - ۴- گوشت روی آن روییده ۱۰۰ دینار ۳/۱۲ کیلوگرم نقره
  - ۵- حالت غضروفی دارد ۸۰ دینار ۲/۴۹۶ کیلوگرم نقره
  - ۶- در حالت مضغه ۶۰ دینار ۱/۸۷۲ کیلوگرم نقره
  - ۷- در حالت علقه ۴۰ دینار ۱/۲۴۸ کیلوگرم نقره
  - ۸- سقط در مرحله نطفه که در رحم استقرار یافته ۲۰ دینار ۶۲۴ گرم نقره
  - ۹- دو یا سه قلو یا بیشتر به همان تعداد تکرار می‌شود.
  - ۱۰- اعضاء جنین و مجروح کردن آن به نسبت دیه آن خواهد بود.
  - ۱۱- سقط جنین بر اثر کشته شدن مادر دیه مادر+دیه جنین
  - ۱۲- چنانچه زن سقط کند باید دیه آن را بپردازد و هیچ بهره‌ای از آن ندارد، موارد بالا دیه پسر است و دیه دختر نصف آن می‌باشد (گودرزی، ۱۳۷۰، ص ۴۶۱).
- ماده ۴۹۲ ق.م. دیه سقط جنین در موارد شبه عمد و عمد بر عهده جانی است و در موارد خطایی محض بر عاقله اوست؛ خواه روح پیدا کرده باشد، خواه نکرده باشد.

از بررسی حرمت سقط و جعل دیه در برابر آن حرمت و تأکید شریعت در نفی تعرض به «حیات طفل» حتی در مراحل ابتدایی آن به دست می‌آید. بر این اساس در اندیشه دینی وقتی بحث از تنظیم خانواده است، خانواده هرگز مجاز به سقط جنین نمی‌باشد. مگر در موارد استثناء که مثلاً جان مادر قطعاً در معرض هلاکت باشد. در این صورت سقط قبل از ولوج روح جایز است یا آنکه طفل از شاکله حیات انسانی بی‌بهره باشد و فقط رشد نباتی داشته باشد. پس والدین باید برای کنترل زاد و ولد قبل از انعقاد، تصمیمات لازم را که موجب ضرر و حرج نباشد، اتخاذ نمایند. شیوه‌های مختلف آن قبلاً بیان شد.

### بررسی نظر موافقان تنظیم خانواده

**الف - کمبود مواد غذایی در جهان:** جوامع پر جمعیت و فقیر به علت عدم توانایی لازم برای تأمین منابع پروتئینی جانوری بناچار نیاز غذایی خود را با غذاهای گیاهی برطرف می‌کنند، به همین دلیل در این گونه جمعیت‌ها فقر مواد پروتئینی بیشتر مشاهده می‌شود؛ این مسأله بویژه در مادران باردار و کودکان بسیار چشمگیر است. کمبود مواد پروتئینی در بدن کودکان آسیب‌های جبران ناپذیری از جمله کاهش مقاومت بدن در مقابل بیماری‌ها، کم‌خونی و ضعف اختلالات گوارشی را سبب می‌شود. تغذیه نامناسب و نبود مواد غذایی مختلف در جیره روزانه سبب بروز اختلالاتی ناشی از کمبود این مواد در بدن می‌شود.

اگر در مقیاسی کوچک وضعیت تغذیه را در دو خانواده کم جمعیت و پرجمعیت با حقوق و درآمد یکسان مقایسه کنید براحتمی در می‌یابید که وضعیت تغذیه و در نتیجه سلامتی جسمانی و روانی در خانواده کم جمعیت به مراتب از خانواده پرجمعیت بهتر است. بنابراین خطر سوء تغذیه و کمبود مواد غذایی در خانواده‌های پر جمعیت زیاد است. رنج ناشی از گرسنگی و بیماری، در دوره‌های کم محصول شدیدتر می‌گردد و قحطی‌ها نیز به دنبال آن می‌آیند و هرگاه میزان رشد جمعیت کاهش نیابد، سوء تغذیه بسیاری از نقاط را در بر می‌گیرد و قحطی و گرسنگی همه‌گیر می‌شود. بالاخره اگر میزان موالید کم نشود و اقتصاد شکوفا نگردد، تنها راهی که برای ایجاد توازن بین جمعیت و



تولید مواد غذایی باقی می‌ماند، افزایش میزان مرگ و میر انسانهاست (پور انصاری، ۱۳۶۸، ص ۱۱۶-۱۱۷).

**ب - شکل محیط و مکان:** یکی دیگر از شاخص‌های مورد توجه در جمعیت‌شناسی و محیط زیست شاخص تراکم جمعیت است، یعنی متوسط افرادی که در یک کیلومتر زندگی می‌کنند؛ میزان تراکم در کشورهای جهان سوم بالاست و توزیع آن عادلانه و متناسب نیست، برخی مناطق بسیار پرجمعیت و برخی دیگر بسیار کم جمعیت است. در حالی که در جوامع غنی به خاطر توزیع عادلانه امکانات پراکندگی جمعیت مناسب است. (شیخی، ۱۳۶۸، ص ۵۳-۵۴).

جمعیت بطور مطلق نعمت و رحمت است؛ اما با توجه شرایط زمانی و مکانی و عوامل تربیتی، رشد جمعیت، دارای فاکتورهای مثبت یا منفی می‌گردد. به این ترتیب که در زمان و مکان و شرایطی به لحاظ حفظ بقا و کمال نسل، افزایش جمعیت لازم و واجب، و در شرایطی رشد جمعیت خود باعث اختلال در کمال و بقای نسل می‌گردد.

**ج - مشکل خواستهای فرزندان و اداره آنها:** اسلام با تأکید بر حفظ امنیت شخصی و اجتماعی کودکان، پدر و مادر را به رعایت حرمت و احترام آنان توأم با لطف و احسان سفارش می‌کند و به نوع تغذیه، مسکن، تفریح و بازی، بهداشت جسمی و روحی فرزندان توجه می‌دهد.

از وظایف پدر افزون بر تأمین خوراک و لباس، آموزش علوم مورد نیاز، شنا، تیراندازی و فنونی است که در هر عصری فرزندان به آنها نیاز دارند (ایازی، ۱۳۷۶، ص ۶۴)، از وظایف دیگر پدر این است که فرزندان خود را در جای مناسب و شغل خوب و شرافتمندانه‌ای قرار دهد. (الحرالعالمی، ۱۴۱۴ هـ، ج ۱۵، باب ۱۶، حدیث ۷، ص ۱۹۹).

**د - اهمیت رفاه خانواده:** کسی که برای رفاه خانواده‌اش کار کند، همانند مجاهد در راه خدا می‌باشد (همو، ج ۳، باب ۲۳، ص ۴۳). رسول اکرم (ﷺ) فرمود «کسی که وارد بازار شد و تحفه‌ای خرید و آن را برای اولادش برد مانند کسی است که صدقه را به قوم محاریج، می‌برد و اول باید به دختران بدهد و به پسران، پس بدرستی کسی که خوشحال کند فرزندش را گویی تیغ از گردن اولاد اسماعیل برداشته است» (مجلسی، ۱۳۹۱ هـ، ج ۱۰۴، ص ۶۹).

یکی دیگر از دلایل موجود برای تنظیم خانواده، اصالت اباحه است. قاعده‌ای است در اصول فقه که هرگاه در دلیل بر حرمت چیزی شک داریم، اصل بر جایز بودن آن جاری می‌شود. این قاعده اصولی در بحث حاضر جاری است؛ زیرا در بحث تنظیم خانواده قطعاً دلیل خاصی بر تحریم پیشگیری از بارداری نداریم و از این رو اصل فوق جاری می‌شود و در نتیجه آن مباح بودن و جایز بودن و جایز دانستن تنظیم خانواده است.

### بررسی نظرات مخالفان تنظیم خانواده

**الف - مخالفت کنترل جمعیت با فلسفه ازدواج:** عده‌ای بر این باورند که پیشگیری از بارداری منافی با اصول اولیه اسلام و مخالف فلسفه ازدواج است. اینان توالد و تناسل و تکثیر نسل را اصلی اسلامی و غیر قابل تخطی قلمداد می‌کنند (ایازی، ۱۳۷۶، ص ۳۵). تحدید نسل با فلسفه ازدواج مخالف است و در حدیثی از پیامبر که بر افزایش جمعیت مباحات می‌کند، می‌فرماید «ازدواج کنید زیرا بدرستی که من روز قیامت بر افزونی خود افتخار می‌کنم» (الحرالعاملی، ۱۴۱۴هـ، ج ۱۴، باب ۱، حدیث ۲، ص ۳).

**ب - وسعت در امکانات:** خداوند در قرآن می‌فرماید «روزی هر کس از بندگانش را بخواهد، بسط می‌دهد و تنظیم می‌کند» (عنکبوت، ۶۲)، ترس از فقر نباید توجیه کننده کنترل جمعیت باشد؛ چون قرآن می‌فرماید از قتل فرزندان بخاطر ترس از فقر بپرهیزید. «خداوند شما و آنها را روزی خواهد داد، قتل آنها گناه بزرگی است» (اسراء، ۳۱)، گفته‌اند همه آیات شامل پیشگیری از بارداری می‌شود و خطاب به کسانی که به خاطر مشکلات اقتصادی و تناسب نداشتن توسعه با رشد دستور به تنظیم خانواده می‌دهند، در صورتی که خداوند رزق مردم را تضمین کرده است و امکانات زمین وسیع می‌باشد.

**د - ضرورت تکثیر جمعیت:** در اسلام تکثیر نسل و افزایش جمعیت مسلمین مهم است و ضرورت دارد و آن گونه که از آیات و روایات می‌فهمیم تأکید اسلام بر تکثیر نسل صالح و افزایش جمعیت کارا می‌باشد.

**ه - استعماری دانستن تنظیم خانواده:** عده‌ای به دلایل سیاسی و اجتماعی تأکید ورزیده‌اند. به نظر این عده افزایش مسلمانان موجب قدرت آنان خواهد گردید که در نتیجه

می‌توانند دشمنان اسلام را منکوب کنند. به همین دلیل کنترل جمعیت در نظر این گروه زاینده فکر استعمار است و لذا باید با آن مخالفت کرد (یازی، ۱۳۷۶، ص ۳۶).

از آنچه گفته شد می‌توان نتیجه گرفت:

- ۱- هدف از تشکیل شاخه خانواده، یک نسل صالح را آغازیدن است.
- ۲- توالد و تناسل نسل سالم و جمعیت کارا است؛ کمال این نسل سالم در عرصه اندیشه و سلامت جسم است؛ تا جایی که این کمال در شاخه خانواده تنظیم شود.
- ۳- منظور از تنظیم خانواده، به نظم درآوردن و سامان دادن اعضای خانواده با توجه به امکانات جامعه و خانواده می‌باشد. و مراد از آن سامان‌دهی توالد و تکثیر است نه فقط کنترل.
- ۴- نقش دولت این است که برای تنظیم خانواده فرهنگ‌سازی کند و تسهیلات و امکاناتی را فراهم کند که این نسل تنظیم یافته از آن استفاده بهینه کند.
- ۵- ازدواج در اسلام برای دو هدف مقدس و زیربنایی است، اصل مودت و اصل رحمت.
- ۶- هدف از ازدواج، بقا و تداوم نسل است. تا نسل‌های بشری به وجود آید و جوامع تداوم داشته باشد.
- ۷- تنظیم خانواده باید با توجه به شرایط و مقتضیات زمانی که در آن زندگی می‌کنیم، انجام پذیرد. امروزه سیاست استعمارطلبانه جوامع غربی کشتار مسلمین است و افزایش نسل مسلمین را خطر برای خود می‌پندارند لذا دولتهای اسلامی باید بر امکانات و تسهیلات و افزایش توالد همت گمارند.
- ۸ - تنظیم خانواده نگاه دو سویه دارد: افزایش نسل و به نظم آوردن آن در شاخه خانواده که برای تربیت نسلی صالح، و کنترل آن با توجه به امکانات موجود خانواده و جامعه.
- ۹- در یک کشور اسلامی می‌توان با برنامه‌ریزی مناسب و نظم محوری در اداره امور مختلف اجتماعی - خانوادگی و فردی شرایطی را ایجاد کرد که خانواده‌ها در حد تعادل از فرزندآوری بهره‌مند شوند و اصل تعدیل و تعادل و رعایت حد وسط و عدم افراط و

تفریط در این موضوع هم رعایت شود؛ بویژه آنکه هر مولودی از موهبات و نعمات الهی برای بهره ساختن خود و دیگران در امور مختلف زندگی برخوردار است و به تعبیر دیگر اگر او یک دهانی برای خوردن دارد، دو دست و بازوی نیرومند هم برای کار و تولید دارد؛ بنابراین با شرایط فعلی فقط مفهوم کنترل موالید هرگز قرار گرفتن در حصر تک فرزندی نیست که این بلیه در دو دهه دیگر برای کشور ما مشکل‌زا خواهد بود. یعنی هر فرد جوان باید به خیرین میان سال و کهنسال خدمات ارائه دهد. این شیوه با تعادل طبیعی و روند مناسب رشد جمعیت مطابقت ندارد.



✓ القرآن کریم

✓ ابازی، سید محمد علی، *اسلام و تنظیم خانواده*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی،

چاپ اول، ۱۳۷۶

✓ بحرانی، یوسف، *الحدائق النافرة فی احکام العده الطاهره*، تصحیح: یوسف بقاعی،

بیروت، دار الأضواء، چاپ سوم، ۱۴۱۳ هـ

✓ بهشتی، سید محمد حسین، *الاسلام و تنظیم الاسرة*، بیروت، الدارالمتحدة، چاپ اول،

۱۹۷۳ م

- ✓ پور انصاری، زهرا، **باروری جمعیت**، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ اول، ۱۳۶۸
- ✓ حر عاملی، محمد بن حسن، **وسائل الشیعه**، قم، آل البيت، چاپ اول، ۱۴۱۴ هـ
- ✓ دهخدا، علی اکبر، **لغت نامه**، تهران، دانشگاه تهران، چاپ ۲، ۱۳۴۴ هـ
- ✓ روحانی، محمد حسین، **مسئولیت‌های خانوادگی در اسلام**، بی جا، انتشارات بهداری، ۱۳۵۵
- ✓ شهبازیان، کیومرث، **جمعیت و تنظیم خانواده**، تهران، انتشارات طاقبستان، چاپ اول، ۱۳۷۷
- ✓ شهید ثانی، زین الدین بن علی عاملی جبللی، **الروضه البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة**، قم، مرکز النشر التابع لمكتب الاعلام الاسلامی، چاپ دهم، ۱۴۱۸ هـ
- ✓ شیخی، محمد تقی، **جامعه شناسی جمعیت و تنظیم خانواده**، تهران، نشر آرام، چاپ اول، ۱۳۶۸
- ✓ طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم، **العروة الوثقی**، قم، مؤسسه اسماعیلیان، چاپ دوم، ۱۴۱۲ م
- ✓ طباطبایی، علامه سید محمد حسین، **المیزان فی تفسیر القرآن**، قم، انتشارات فرهنگی رجاء، بی تا
- ✓ قائمی، علی، **نظام حیات خانواده در اسلام**، تهران، انتشارات انجمن اولیاء و مربیان، چاپ مکرر، ۱۳۶۹
- ✓ مجلسی، محمد باقر، **بحار الانوار**، قم، انتشارات مکتبه الاسلامیه، ۱۳۹۸ هـ
- ✓ محقق حلی، ابوالقاسم نجم الدین جعفر بن حسن، **المختصر النافع فی فقه الامامیه**، مصر، دارالکتب العربی، بی تا، **شهرت‌های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی**
- ✓ محمدی، معصومه، **خانواده و ملت**، قم، مجله حورا، ماهنامه علمی و فرهنگی اجتماعی زنان، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، شماره ۶، ۱۳۸۳
- ✓ مشکینی، علی، ترجمه احمد جنتی، **ازدواج در اسلام**، قم، انتشارات یاسر، چاپ اول، ۱۳۵۹

✓ نجفی، محمد بن حسن، *جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام*، تحقیق: علی  
آخوندی، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، چاپ ہفت، ۱۹۸۱م  
✓ *ہمو، شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام*، بیروت، دارالاضواء، چاپ دوم،  
۱۴۰۳ھ



پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی